



گفت و گو
با علی ژکان،
کارگردان و
فیلمنامه‌نویس:

باید برنامه‌های مدون برای سینمای ایران مشخص کنند



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
گرافیک و صفحه‌آرا: سعید غفوری

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی خراسان
توزیع: نشر گستر امروز

آیا در تاریخ سینمای ما دوره‌ای وجود دارد که بتوانیم در آن شاهد جریان‌های نام سینمای شاعرانه باشیم؟

چنین دورانی وجود ندارد، از همان سال ۱۳۰۹ که سینما در ایران شکل گرفت، فیلم‌ها به قصد تبلیغ و پروپاگاندا ساخته شدند و اولویت‌های حکومت مستقر در سینما حاکم بود، بعد از آن در دوره پهلوی دوم هم همین وضعیت وجود داشت و از کودتای ۲۸ مرداد به بعد را که نگاه کنیم، سینما مملو از فیلم‌های دلهره‌آور و ترسناک است که به تقلید از خارجی‌ها ساخته می‌شدند و بعد سینما به سمت جریان‌های لپنی و جاهلی رفت که آدم‌های قدره‌کش بی‌هویت قهرمان‌های جامعه معرفی شدند و سپس نظام حاکم با بازیگرانی چون فردین به دنبال معرفی قهرمانانی بود که با بدی‌ها می‌جنگیدند ولی از واقعیت‌های جامعه دور بودند. اواخر دهه ۴۰ وضعیت کمی متفاوت شد و فیلم‌ها به واقعیت‌های جامعه نزدیک‌تر شدند که آثاری چون «قیصر» از جمله این فیلم‌ها هستند. فروغ فرخزاد هم آن زمان یک مستند ساخت ولی باز هم نمی‌توان به این نتیجه رسید که بر اساس یک مبنای حرفه‌ای تعریف شده مسیر سینمای ایران تعیین شده است و به همین دلیل تا حدی واقعیت‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. اگر در کشوری چون فرانسه سینمای شاعرانه پررنگ است به این دلیل است که سینمای فرانسه بر مبنای برنامه‌های فرهنگی دقیقی شکل گرفته است. در کشور ما پس از انقلاب هم همان وضعیت بود و شعارهایی تعیین شد که بر اساس همان‌ها فیلم ساختند و من که یکی از اولین فیلمسازان پس از انقلاب بودم هم بر اساس شعارهای موجود مثل زندگی روستاییان و فیلم ساختن و حالا که در این سن و سال هستم موفق به ساخت تنها ۵ یا ۶ فیلم شده‌ام. نهادهایی چون فراهی به چه منظوری تأسیس شده‌اند؟ چرا از سینمایی که رویکرد فرهنگی دارد حمایت نمی‌کنند؟ همه حمایت‌ها بر اساس تبعیض و رانت است، سازمان سینمایی هیچ برنامه مدونی برای سینما ندارد و همه چیز بلا تکلیف است. ما با ابزارها و فداکاری‌های بسیار در یک سیستم تولید ضعیف و ناکارآمد توانستیم سینمایی جدی خلق کنیم که در خارج از ایران هم صاحب اعتبار و سربلند است. هیچ هنری اعم از هنر شعر، تئاتر و ادبیات در کشور ما نتوانسته به اندازه سینما جهانی باشد و حیث است که این سینمای ارزشمند را از دست بدهیم. کسانی که مسئولیت سینمایی دارند باید برنامه‌های مدون برای سینمای ایران مشخص کنند و در این شرایط سخت سینما را نجات دهند. به اعتقاد من رویکردهایی مثل سینمای شاعرانه در جشنواره جهانی فجر نمی‌تواند رویکردی لازم، ضروری و نجاتبخش برای سینمای ما باشد.

اینا

نیازمند حمایت است و مخصوصاً سینمایی که در دایره ممیزی به سر می‌برد وابسته به این است که برای وجود خود رضایت دولت را جلب کند و بخش خصوصی هم همین وضعیت را دارد چون میلش به درآمدزایی است و در صورتیکه با دولت تعامل نداشته باشد امکان اکران و فیلمسازی را از دست می‌دهد و بنابراین ممکن است به شعارها و ملاحظات تن بدهد. دولت باید از فرهنگ حمایت کند اما دولت از ما می‌خواهد که شعارهایی مطرح کنیم تا بر اساس آن‌ها بتوانیم در واقعیت موجود جامعه انحرافی به وجود آوریم و گرنه در غیر اینصورت امکان فیلمسازی وجود ندارد. امروز حتی بسیاری از فیلم‌هایی که پروانه ساخت دارند هم امکان نمایششان فراهم نشده است. وقتی در اقتصاد، فرهنگ، محیط زیست و... نمی‌توانیم نیازهای ابتدایی مردم را برآورده کنیم چطور می‌توانیم جشنواره‌ای برگزار کنیم و به جهانیان بگوییم که می‌خواهیم به شاعرانگی بپردازیم و راهنمای باقی فیلمسازان باشیم و از طریق این جشنواره این سینما را تبلیغ و الگوسازی کنیم؟

به نظر شما رویکرد شاعرانه جشنواره جهانی فجر می‌تواند در سینمای ایران جریان‌ساز باشد؟

بر اساس شواهد و مستندات تاریخی سینما به هیچ‌وجه این اتفاق رخ نمی‌دهد. کدام یک از جشنواره‌های ما با رویکردهای موضوعی و ژانری در جریان‌سازی موفق بوده‌اند؟ سیاستگذاری جشنواره‌های ما بر اساس الگوهای ثابتی نیستند و هر سال سیاستگذاری جشنواره وابسته به این است که ما درگیر چه گرفتاری‌هایی در کشور هستیم در حالیکه جشنواره‌های معتبر جهانی الگوهای ثابتی دارند.

من به عنوان یک فیلمساز آرزو دارم که جشنواره جهانی فیلم فجر یک رویداد معتبر و موفق باشد. قطعاً موفقیت جشنواره برای من هم اتفاق خوشایندی است اما شواهدی که وجود دارد برای من اینگونه است که الگوی شاعرانه نمی‌تواند با واقعیت‌های تولید فیلم در ایران همخوانی داشته باشد و موفق هم نخواهد بود.

این رویکرد چگونه می‌تواند راهنمای امثال من باشد که سال‌هاست می‌خواهم فیلم بسازم، به سمت سینمای اعتراضی و سینمای زیرزمینی هم نرفته‌ام، می‌خواهم فیلمم در چارچوب مسائل فرهنگی کشور بگنجد اما مدت‌هاست امکان فیلمسازی ندارم و دوستانی دارم که حتی ۱۵ یا ۲۰ سال است که نتوانسته‌اند فیلم بسازند.

جشنواره‌های سینمایی در دنیا می‌توانند فیلمسازان را به سمت سیاست‌های خود سوق دهند و جریان‌سازی کنند اما میزان این جریان‌سازی به میزان اعتبار و جایگاه جشنواره‌ها مربوط است. هر رویداد سینمایی باید آنقدر معتبر و مهم باشد که فیلمسازان را برای موفقیت یا دیده شدن آثارشان به سمت خود جلب کند و در تعاملی با هنرمندان هم موجب دیده شدن آثار آن‌ها شود و هم بتواند سیاست‌های خود را پیش ببرد. علی‌ژکان و سینمای ایران رویکرد سینمای شاعرانه را دور از واقعیت‌های امروز جامعه و سینمای ایران می‌داند و معتقد است که جشنواره جهانی فیلم فجر نمی‌تواند در این زمینه جریان‌ساز باشد. در ادامه مشروح گفت‌وگو با این سینماگر را از نظر می‌گذرانید.

آیا برای برقراری ارتباط مردم با سینما لازم است که حتماً سینما واقعیت‌های زندگی مردم را بیان کند؟

قرار نیست همه فیلم‌ها از مشکلات و تلخی‌های زندگی مردم بگویند، منظور من این است که سینمای متعالی نباید با جامعه‌اش بیگانه باشد، مردم باید تولیدات را باور کنند و اگر این باور شکل نگیرد اساساً فیلمسازی دیگر دلیلی ندارد.

فیلم باید در باور ما بگنجد و این باورپذیری به این معنا نیست که فیلم باید به ذکر مصیبت و مشکلات بپردازد. اگر قرار است موقعیت‌ها و شخصیت‌ها در فیلم ما طبعی شاعرانه داشته باشند، باید این موقعیت‌ها و شخصیت‌ها در باور ما بگنجد و غیرمنطقی نباشند، در غیر این صورت فیلم به یک کمدی تبدیل می‌شود که مردم باورش نمی‌کنند و فقط شعار می‌دهد تا فرصت اکران پیدا کند. ما با همین ملاحظات و شعارها سینمایمان را نابود کرده‌ایم.

چنین ملاحظات و شعارهایی از ابتدا در سینمای ما وجود داشته، قبل از انقلاب هم بر اساس سیاستگذاری‌هایی که وجود داشت با سینمایی روبرو بودیم که کاراکترهای اصلی‌اش جاهل‌ها و لات‌ها بودند و هیچ نسبتی با واقعیت‌های جامعه نداشت و پس از انقلاب هم با ملاحظاتی دیگر سینمای ما وضعیتی پیدا کرد که باز هم نسبتی با واقعیت‌های جامعه ندارد.

بنابراین می‌توان رویکرد سینمای شاعرانه را هم یکی از همین ملاحظات و شعارها دانست؟

قطعاً همینطور است. سینمای ما نمی‌تواند روی پای خودش بایستد،



نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان حسین قناعت

دختره برفی

بازیگران
امیرحسین رستمی
هنگامه حمیدزاده
شقایق دهقان
آناهیتا همنی
سیاوش چراغی‌پور
رامین ناصر‌نصیر
عباس مهبوب
غلام‌قلندری
بازیگران خردسال
هیلدا کردبچه
رایان سارک